

## تحلیل آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود)

علی اکبر عنابستانی\*

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۰۸ | صص ۵۷-۶۸ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

### چکیده

**هدف:** در سال‌های اخیر، مسکن روستایی از تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی برخوردار بوده است و در این مقاله تلاش شده است تا تأثیر تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی بررسی شود.

**روش:** روش تحقیق در این مطالعه، از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی و همبستگی است که بخش عمده‌ای از داده‌های آن براساس مطالعات میدانی و با روش نمونه‌گیری (کوکران) از سطح ۲۳۲ خانوار نمونه منطقه جمع‌آوری شده است.

**یافته‌ها:** براساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های همبستگی تیپ پیرسون، یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد ارتباط معنادار و نسبتاً قوی با ضریب ۰/۴۲۷ بین عوامل تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن روستایی وجود دارد؛ به‌طوری که شاخص‌های تغییرات اجتماعی حدود ۳۵/۴٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، به‌تنهایی ۴۲/۷٪ بر تغییرات در الگوی مسکن روستایی را توجیه می‌کند و بیشترین تأثیر را در تحلیل مسیر بر روی شاخص‌های کیفیت مسکن و پلان معماری با ضرایب ۰/۴۵ و ۰/۴۲ بر جای گذاشته است. در توزیع فضایی، بین تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن در شش روستا، همبستگی مستقیم و نسبتاً کاملی وجود دارد.

**محدودیت‌ها:** دست‌یابی به اطلاعات الگوی مسکن روستایی از چالش‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

**راهکارهای عملی:** با توجه به یافته‌ها، راهکارهایی شامل توجه به تعاملات و همبستگی اجتماعی روستاییان در ساخت مساکن جدید، تکیه بر هویت فرهنگ بومی و قومی منطقه، کاهش وابستگی به شهرها در ساخت مساکن روستایی و غیره پیشنهاد شده است.

**اصالت/ارزش:** پژوهش حاضر از این نظر حائز اهمیت است که می‌توان با شناسایی آثار تغییرات ناشی از نفوذ و هجوم تکنولوژی، فرهنگ و سیمای شهری بر الگوی مسکن روستایی، نسبت به کنترل این فرایند و حفظ الگوی معماری سنتی متناسب با نیازهای زندگی امروزی اقدام نمود.

**کلیدواژه‌ها:** مصرف‌گرایی، گرایش به مهاجرت، همبستگی اجتماعی، رضایت از مسکن، پلان معماری، مقاومت مسکن.

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسئله

در دنیای واقع، روستا پدیده واحدی است که نمی‌توان عوامل و اجزای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌بومی و غیره آن را از یکدیگر جدا کرد (زرگر، ۱۳۸۸، ص. ۳۱)؛ در نتیجه، شکل خاصی از مسکن مورد نیاز است که از مسکن شهری متمایز شود. اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی و شهری، آمیختگی تولید، معیشت و زندگی در خانه روستایی است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸ الف، ص. ۵۲). از نظر اجتماعی، مکان، شکل و نوع مصالح به کار رفته در واحدهای مسکونی، برای مالک آن مقام و منزلت اجتماعی به همراه می‌آورد (بهزادنسب، ۱۳۷۹، ص. ۸۸). در روستاهای ایران، در رتبه اول، وضع جغرافیایی؛ یعنی وضعیت بوم‌شناختی منطقه و در رتبه دوم، عوامل تولید و امور فرهنگی در خانه‌سازی و شکل‌بندی فضاهای روستایی اثر می‌گذارند (خسروی، ۱۳۷۲، ص. ۶۴).

یکی از نتایج ناخوشایند ظهور وسایل جهانی ارتباط جمعی و حضور فرهنگ عمومی جهانی مبتنی بر مصرف، جهانی شدن ارزش‌ها و به‌عبارت‌دیگر، یکسان‌سازی ارزش‌ها بر مبنای ارزش‌های غربی، مستقل از تفاوت‌های فرهنگی و سنتی جوامع روستایی در سرزمین‌های دیگر است (سعیدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۰). بدیهی است ادامه این روند، روستاهای ایران را نیز به‌دنبال شهرهای آن از هویت و سیمای اصیل خود دور خواهد کرد و آنچه می‌ماند، شالوده‌ای از تفکرات غربی ناهمخوان با بستر فرهنگی و اجتماعی و منطقه‌ای است (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱، ص. ۶۵)؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا تأثیر تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی تجزیه و تحلیل شود و در کنار آن، توزیع فضایی ارتباط بین این دو متغیر در سطح محدوده مورد مطالعه، ارزیابی گردد تا بتوان از نتایج آن به‌عنوان پایه‌ای برای ارائه الگویی مناسب برای مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه (شهرستان بینالود) که به شکل حادی در معرض ساخت خانه‌های دوم نیز می‌باشد، استفاده نمود.

## ۲.۱. پیشینه تحقیق

در ایران کمتر به مقوله آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن در سطح سکونتگاه‌های روستایی پرداخته شده است. در ادامه، نتایج تعدادی از این تحقیقات بررسی می‌شود.

سعیدی و امینی (۱۳۸۹)، بسحاق، صیدایی، و جمینی (۱۳۹۱)، صیدایی، قره‌نژاد، و فیروزی (۱۳۹۰)، قنبری، رمضان-زاده لسبویی، و معصوم‌پور سماکوش (۱۳۹۰) و کریمی‌آذر و شمسی‌یوسفی (۱۳۸۸) معتقد هستند که روند دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی و تحرک و جابه‌جایی روزافزون گروه‌های انسانی، به روندهای پایداری/ناپایداری و دگرگونی‌های کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است. یافته‌های پژوهش عنابستانی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی روستاییان، در شکل‌گیری الگوهای مسکن روستایی اثرات ماندگاری برجای گذاشته‌اند، که از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر متفاوت خواهد بود. شکوری و عسگری (۱۳۹۱)، سرتیپی‌پور (۱۳۸۴)، (۱۳۸۵) و (۱۳۸۹) در بررسی مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، معتقد هستند که در طول شصت سال نظام برنامه‌ریزی کشور، به مسکن روستایی بی‌توجهی شده است و با وجود عنایتی که در برنامه‌های بعد از پیروزی انقلاب به روستاها شده است، اما تا تحقق فضای زیستی-کالبدی مناسب فاصله بسیار زیادی وجود دارد. حجت (۱۳۸۵) بر این باور است که پس از اصلاحات ارضی، الگوی گسترش و معماری شهری در روستاها گسترش یافت، فضاهای سکونتی شبه‌شهری رایج شدند و استفاده از مصالح و شیوه‌های غیربومی، ساخت‌وساز چهره روستا را تغییر دادند. قاسمی‌اردهانی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱)، افرخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی، شایان، و بنیادداشت (۱۳۹۰)، مطیعی-لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی‌فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) نشان می‌دهند وام‌های مسکن روستایی، اثرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سکونتگاه‌های روستایی برجای گذاشته‌اند و بیشترین اثرگذاری اعتبارات، در زمینه مقاومت‌سازی مسکن روستایی بوده است. نتایج حاصل از تحقیقات پورطاهری، رکن‌الدین‌افتخاری، و نیکبخت (۱۳۹۰) مشخص نمود بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی و معناداری برقرار است.

از پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور نیز می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره نمود که با تحقیق حاضر مشابهت دارند؛ از جمله، مطالعات ولز<sup>۱</sup> (۱۹۷۱)، محمد‌می و شمس‌الدین<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و تورگات<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نشان می‌دهند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مسکن می‌شوند. تغییرات فرهنگی به‌خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی، بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی

محدود می‌شود. مساحت آن  $1185/3$  کیلومتر مربع است که معادل یک درصد از کل وسعت استان خراسان رضوی می‌باشد و دارای ۲ بخش، ۴ دهستان و ۲ نقطه شهری است (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۱).

### ۲.۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است که با بهره‌گیری از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. یکی از انواع روش‌های تحقیق توصیفی، تحقیق همبستگی است.

شهرستان بینالود ۵۳ روستای دارای سکنه با جمعیت ۳۱۳۳۷ نفر دارد. در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار شهرستان هستند که برابر با ۴۱ روستا با جمعیت ۳۱۰۴۵ نفر می‌باشد و براساس فرمول NO، تعداد ۱۱ روستا با ۴۴۱۸ خانوار می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه در سطح خانوارهای روستایی، از روش نمونه‌گیری کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۶/۲۵٪ بنا بر سهم جمعیت هر روستا استفاده شده است. برای ارزیابی آثار تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن در روستاها، ۲۳۲ نفر (سرپرست خانوار) از روستاییان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده موردپرسشگری قرار گرفته‌اند. سؤال اصلی در تحقیق حاضر این است که در زندگی روستاییان، تغییرات اجتماعی به چه میزان در الگوی مسکن موجود در سکونتگاه‌های روستایی مؤثر بوده‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، این فرضیه طراحی شده است: به نظر می‌رسد در زندگی روستاییان، تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی اثرگذار بوده‌اند.

برای بررسی آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی، از دو متغیر، ۹ شاخص و ۴۷ معرف (گویه) استفاده شد. تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم شدند. برای ارزیابی روایی پرسشنامه‌ها، از نظرهای متخصصان و کارشناسان مربوطه در دانشگاه‌ها و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استفاده شد و پایایی پرسشنامه‌ها بر مبنای آلفای کرونباخ با اعتبار بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۷ تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون، رگرسیون چندمتغیره، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر با کمک نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel کمک گرفته شد.

اثرات متعددی بر جای نهاده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های والکر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) و النعیم و محمود<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) بیانگر این است که تغییرات الگوی مسکن روستایی در نیجریه، به‌ویژه در سه دهه اخیر، بر اثر تغییرات فرهنگی، شهری شدن و جهانی شدن صورت گرفته‌اند نورس و بلیک<sup>۶</sup> معتقد هستند که در چند سال اخیر، روستاهای کانادا تحت تأثیر فرایندهای جهانی‌سازی، شهرنشینی و گسترش تکنولوژی‌های نوین قرار گرفته‌اند که این عوامل، به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شده‌اند (نورس و بلیک، ۲۰۰۳، ص. ۶۶). در روستاهای ترکیه، تغییرات فرهنگی بر مسکن روستایی به‌ویژه تغییرات در ابعاد فضایی و کالبدی مسکن تأثیر داشته‌اند و نظام ساخت واحدهای مسکونی جدید را متأثر از فرهنگ غرب کرده‌اند (حاجی حسن‌اوغلو و حاجی حسن‌اوغلو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۹۰۲). بانسکی و وسولوسکا بر این باور هستند که در اثر تحولات اقتصادی در لهستان، ساختمان‌های جدیدی در حال شکل‌گیری هستند که خود تابعی از میزان نزدیکی به حومه شهر و فاصله از آن می‌باشند (بانسکی و وسولوسکی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۱۱۶).

مروری گذرا بر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه الگوی مسکن نشان می‌دهد در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذاری بیشتری داشته‌اند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با رویکردی جدید، ارتباط بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان با تغییرات الگوی مسکن روستایی در محدوده مورد مطالعه، مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

### ۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

موقعیت جغرافیایی بیانگر بسیاری از ویژگی‌های روستا از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت‌ها، امکان دسترسی به منابع و توان‌های بالقوه برای رشد و توسعه است (سعیدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۰). منطقه مورد مطالعه؛ یعنی شهرستان بینالود (طبقه و شاندیز) در استان خراسان رضوی واقع است که ۵۳ آبادی دارای سکنه با ۹۳۴۱ خانوار و ۳۱۳۳۷ نفر جمعیت دارد. به لحاظ ریاضی، محدوده مورد مطالعه در عرض جغرافیایی ۱° و ۶° و ۳۶° تا ۲۴° و ۳۰° و ۳۶° شمالی و طول جغرافیایی ۵۳° و ۳° و ۵۹° تا ۱۶° و ۳۶° و ۵۹° شرقی واقع است و از سمت شمال غرب به شهرستان چناران، از سمت شمال، شرق و جنوب به شهرستان مشهد و از سمت غرب به شهرستان نیشابور

## جدول ۱. بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

متغیر	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفای کربناخ
تغییرات اجتماعی	گرایش به مهاجرت	۶	۰/۶۷۶
	گرایش به مصرف‌گرایی	۱	--
	همبستگی اجتماعی	۵	۰/۶۸۱
	تعاملات اجتماعی	۷	۰/۷۴۰
	ناهنجاری‌های اجتماعی	۵	۰/۶۵۳
الگوی مسکن	جمع	۲۴	۰/۷۶۰
	رضایت از مسکن روستایی	۴	۰/۸۷۴
	مقاومت مسکن	۴	۰/۸۰۱
	پلان معماری مسکن	۱	--
	کیفیت بنای مسکن	۱۴	۰/۷۷۲
	جمع	۲۳	۰/۸۶۶

## ۳. مبانی نظری تحقیق

مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به‌عنوان کالایی اقتصادی و پردوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (بورنه<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱، ص. ۱۴) و افزون‌براین، مشتمل بر رفع نیازهای مالی به‌عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی- اجتماعی افراد نیز است (کاتر و تروار<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۹، ص. ۳۸). باین‌حال، مسکن عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (شورت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۱۹۹). در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (وستوی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۱۸۷). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک‌شناختی، آب‌وهوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذار هستند (سندویچ<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۱۸۵).

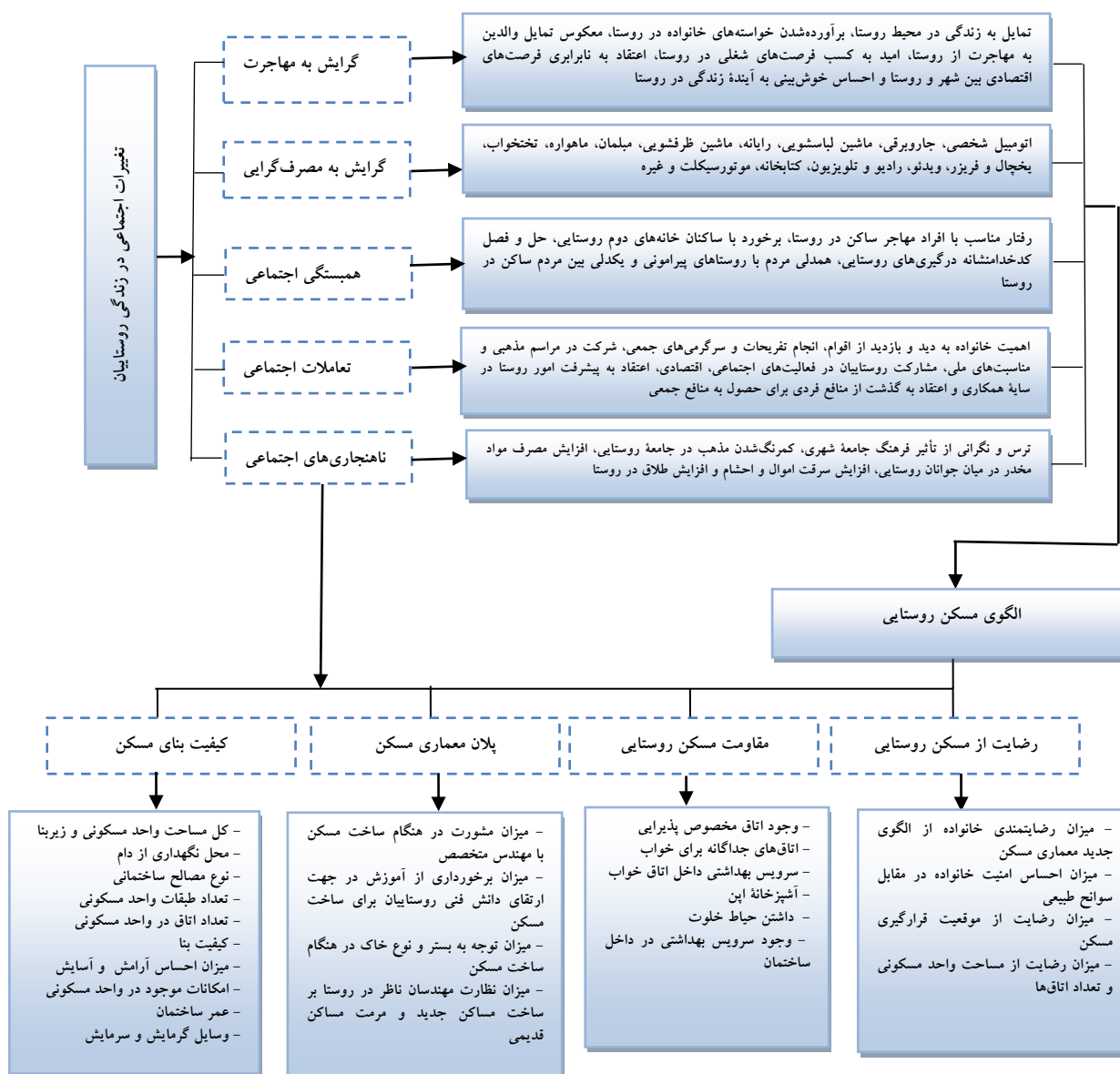
عوامل اجتماعی مؤثر بر بافت روستاها شامل مواردی چون قومیت، نحوه سکونت پیشینیان، ساختار خانواده، مهاجرت، روابط خویشاوندی، قشربندی اجتماعی، امنیت و اعتقادات مذهبی و باورها و رسوم می‌گردد (احمدیان و محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷). یکی از عناصر مهم در فضای روستاها مقوله مسکن است که به‌عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش، در طی سالیان متمادی برحسب شرایط زمانی- مکانی در هر منطقه شکل می‌گیرد و نشان‌دهنده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی- فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و درنهایت، سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است (حسینی- ابری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸). از یک‌سو، روستاییان به‌دلیل رعایت- نکردن اصول ایمنی و فنی در ساخت مسکن در گذشته و

از سوی دیگر، پاسخ‌گوبودن این مسکن با نیاز امروز جامعه روستایی، تغییر در مسکن روستایی را به تبعیت از ساخت مسکن شهری شروع نمودند که مکانیزم حاصل بر این روند را می‌توان در دو شکل کلی توصیف نمود:

الف. روستاییان علاوه‌بر ایجاد پیوندی ناگسستنی با شهرها، الگوها و شیوه‌های ساخت خانه را از آنجا فرا می‌گیرند و آن را در روستای خود به کار می‌گیرند؛ زیرا، این‌گونه مسکن شهری توانسته است جواب‌گوی نیازهای امروزی ساکنان آن باشد و در مقابل مخاطرات محیطی، کارایی بهتری داشته باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶، ص. ۷۱)؛

ب. دلیل دیگر این هم‌شکل‌شدن را می‌توان در نقش برجسته بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این زمینه دانست؛ به‌گونه‌ای که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از طریق تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی، ترویج مسکن از طریق مسکن نمونه در روستاها و اعمال نظارت نسبی بر ساخت‌وسازهای روستایی، اقداماتی را در راستای بهبود وضع مسکن در روستاها انجام داده است (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۹)؛ بنابراین، افزایش رابطه شهر و روستا به تبعیت از گسترش شبکه‌های ارتباطی، توسعه پوشش رادیو و تلویزیون، ورود روابط پولی در جامعه روستایی، توسعه مؤسسات آموزشی و به‌ویژه انجام اصلاحات ارضی و حذف قدرت سیاسی مالک از روستا، تأثیرپذیری جامعه روستایی ایران از شهر و آغاز فرایند تغییر و تحولات روستایی را فراهم آورده است (طالب و عنبری، ۱۳۸۴، صص. ۶۴-۶۳).

مهم‌ترین نقایص و ضعف‌هایی که جامعه روستایی ایران را آسیب‌پذیر کرده است، می‌توان در نزول ارزش‌های گذشته، تغییر فرهنگ قناعت به فرهنگ اسراف و تبذیر، نظام آموزشی و ارتباط آن با ضعف‌های اجتماعی، پیچیدگی روابط اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی، تبعیض و نابرابری اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی و هنجارهای ناآگاهانه و ضعف‌های اجتماعی خلاصه نمود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، صص. ۶۴-۶۲).



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

## ۴. یافته‌های تحقیق

## ۴.۱. تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان از دیدگاه آن‌ها

شده و میانۀ نظری آن برابر با ۲/۵ است، میانگین وضعیت شاخص‌های پنج‌گانه تغییرات اجتماعی در جامعه روستایی نمونه، برابر بین حداقل ۲/۸۷ در شاخص گرایش به مصرف‌گرایی تا حداکثر ۳/۵۸ در شاخص میزان تعاملات اجتماعی در بین روستاییان می‌باشد؛ بنابراین، نتایج ارزیابی نشان‌دهنده این است که روستاییان نگرانی جدی از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی در روستاها دارند؛ هرچند که هنوز میزان تعاملات و همبستگی اجتماعی در بین روستاییان در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد. در نهایت، ۶۲/۱٪ از افراد روستایی معتقد هستند که تغییرات اجتماعی در سطح متوسط تا زیاد بوده است، که میانگین ۳/۲۲ آن را تبیین خواهد نمود. برای

برای سنجش میزان تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان در نواحی روستایی مورد مطالعه، از شاخص‌های پنج‌گانه گرایش به مهاجرت، گرایش به مصرف‌گرایی، همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی و ناهنجاری‌های اجتماعی در روستاها استفاده شده است و برای تبیین این شاخص‌ها، از ۲۴ معرف کمک گرفته شده است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر برای ارزیابی معرف‌ها از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده

مقایسه نسبت‌ها با فراوانی موردانتظار، از آزمون کای‌اسکوئر پیرسون استفاده می‌شود و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با اطمینان ۹۵٪، دلایل کافی برای رد فرض صفر وجود دارد؛ یعنی بین گروه‌های روستایی از نظر انگیزه پاسخ‌گویی به سؤالات یادشده در رابطه با تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان اختلاف معناداری وجود دارد.

### جدول ۲. بررسی میزان تغییرات اجتماعی از دیدگاه روستاییان (درصد)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	انحراف معیار
معکوس‌گرایی به مهاجرت	۷/۷	۲۴/۱	۳۰/۵	۳۱/۸	۵/۹	۳/۳۷	۰/۵۶۳۸۶
گرایی به مصرف‌گرایی	۸/۶	۳۶/۱	۳۹/۳	۱۱/۶	۴/۳	۲/۸۷	۰/۹۵۵۵۵
میزان همبستگی اجتماعی	۲/۵	۲۲/۴	۳۳/۹	۳۳/۷	۷/۵	۳/۲۱	۰/۶۱۰۳۸
میزان تعاملات اجتماعی	۱/۶	۹/۸	۲۹/۴	۴۷	۱۲/۲	۳/۵۸	۰/۴۹۹۶۷
ترس از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی	۳/۸	۱۷/۷	۳۰/۳	۳۳/۱	۱۵/۱	۳/۳۸	۰/۶۱۳۶۳
جمع	۴/۹	۲۴	۳۰/۷	۳۱/۴	۹	۳/۲۲	۰/۳۸۱۳۲

اینکه در این تحقیق برای ارزیابی معرف‌ها از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده و میانۀ نظری آن برابر با ۲/۵ است، میانگین وضعیت شاخص‌های چهارگانه الگوی مسکن روستایی در جامعه روستایی نمونه برابر بین حداقل ۲/۵۱ در شاخص پلان معماری مسکن تا حداکثر ۳/۵ در شاخص میزان رضایتمندی از مسکن در بین روستاییان است؛ بنابراین، نتایج ارزیابی نشان‌دهنده این است که تغییر در الگوی پلان معماری مسکن روستایی اتفاق افتاده است؛ اما هنوز در هنگام ساخت-وساز مسکن خود در روستاها کمتر به نکات فنی توجه دارند.

### جدول ۳. بررسی الگوی مسکن در محیط‌های روستایی از دیدگاه روستاییان (درصد)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	انحراف معیار
میزان رضایتمندی از مسکن	۱/۴	۹/۷	۳۳/۲	۴۸/۷	۷/۱	۳/۵	۰/۶۹۴۵
پلان معماری مسکن	۲۲/۶	۱۰	۵۷/۸	۴/۳	۵/۲	۲/۵۱	۰/۷۷۳۷
مقاومت مسکن روستایی	۱۷/۹	۳۵/۸	۲۶/۵	۱۷/۳	۲/۵	۲/۵۹	۱/۰۴۷۷
کیفیت بنای مسکن	-	-	-	-	-	۳/۱۱	۰/۴۷۳۶
جمع	-	-	-	-	-	۲/۹۳	۰/۵۸۱۲

معماری نرمالیتی نداشته‌اند؛ بنابراین، برای بررسی رابطه در این شاخص‌ها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. در مجموع، داده‌های هر دو متغیر مستقل و وابسته از نرمالیتی برخوردار بودند و در نتیجه، از آزمون پیرسون برای بررسی همبستگی استفاده شد. بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان و الگوی مسکن روستایی رابطه همبستگی مستقیم و نسبتاً خوبی با مقدار ۰/۴۲۸ در سطح معناداری ۹۹٪ مشاهده می‌شود که این، بیانگر تأثیر قابل‌ملاحظه آثار تغییرات اجتماعی بر الگوی

### ۲.۴. الگوی مسکن روستایی

مالکیت مسکن و کیفیت آن، آسایش و رفاه خانوادگی، کمک به رشد اقتصادی، افزایش ثروت خانوارها، تشخص و منزلت اجتماعی، موقعیت تحصیلی فرزندان، کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، مشارکت مدنی و ثبات همسایگی را به‌همراه دارد (قادری، ۱۳۸۱، ص. ۱۶). برای بررسی الگوی مسکن روستایی از شاخص‌هایی مانند رضایت، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن بهره گرفته شده و برای تبیین این شاخص‌ها، از ۲۳ معرف کمک گرفته شده است. با توجه به

### ۳.۴. تحلیل فضایی ارتباط بین تغییرات اجتماعی و

#### الگوی مسکن روستایی

قبل از بررسی رابطه بین متغیر مستقل و وابسته، ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمالیتی شاخص‌ها بررسی شد که براساس نتایج تحقیق، شاخص‌های گرایی به مصرف‌گرایی، همبستگی اجتماعی و تعاملات اجتماعی در متغیر مستقل و شاخص‌های رضایت از مسکن، مقاومت و پلان

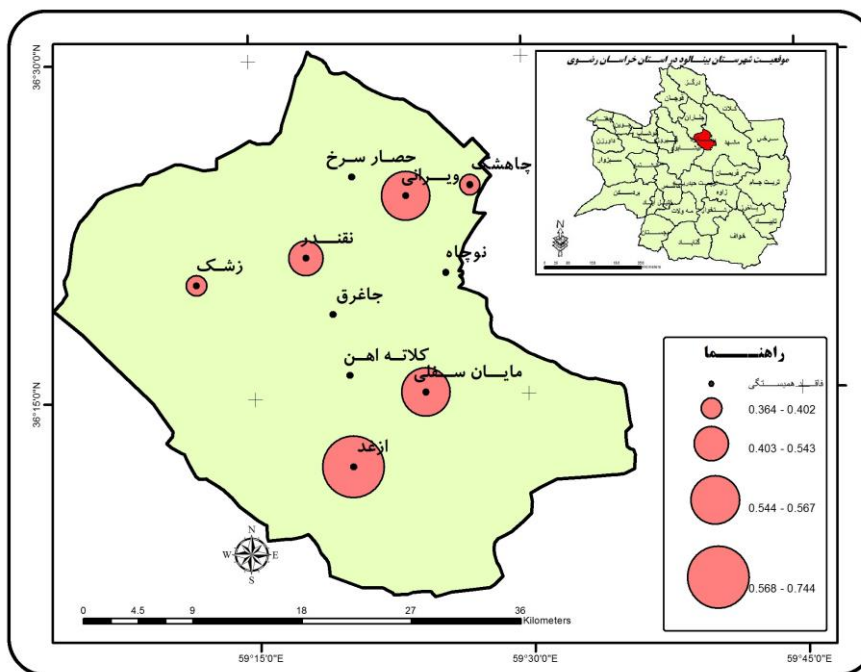
مورداشاره در این روستاها مستقیم می‌باشد و در بعضی از موارد نسبتاً کامل است؛ به این معنای که نقش‌آفرینی بیشتر تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان، میزان تغییر در الگوی مسکن روستایی در این روستاها افزایش می‌یابد.

مسکن روستایی است. از یافته‌های پژوهش براساس جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفت که بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان و الگوی مسکن روستایی در بیشتر روستاهای مورد مطالعه مانند چاهشک، نقندر، ازغد، میان سفلی، زشک و ویرانی (نورآباد) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همبستگی

#### جدول ۴. بررسی ارتباط بین تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نام روستا	مقدار ضریب همبستگی	مقدار احتمال آزمون	نتیجه آزمون	تحلیل
چاهشک	۰/۴۰۲	۰/۰۰۳	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
نقندر	۰/۵۴۳	۰/۰۱۳	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
کلاته‌آهن	۰/۰۴۵	۰/۹۰۹	پذیرش فرضیه صفر	-
حصار سرخ	۰/۲۹۶	۰/۲۳۳	پذیرش فرضیه صفر	-
نوجاه	۰/۰۱۶	۰/۵۸۵	پذیرش فرضیه صفر	-
ازغد	۰/۷۴۴	۰/۰۰۹	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
میان سفلی	۰/۵۶۷	۰/۰۱۸	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
زشک	۰/۳۶۴	۰/۰۲۵	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
جاغرق	۰/۱۶۸	۰/۲۹۳	پذیرش فرضیه صفر	-
ویرانی	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.
جمع	۰/۴۲۸	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنادار است.



شکل ۲. توزیع فضایی ارتباط بین تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

برای بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه روستاییان، از

۴.۴. تحلیل اثرگذاری شاخص‌های تغییرات اجتماعی بر

الگوی مسکن روستایی

برآورد پارامترها، انحراف معیار برآورد پارامترها، برآورد پارامترهای مدل رگرسیون استاندارد شده، آماره  $t$  آزمون وسطح معناداری برآورد پارامترها گزارش شده است. برای بررسی مستقل بودن باقی مانده‌ها از آماره دوربین واتسن استفاده می‌شود که اگر مقدار آن بین  $1/5$  تا  $2/5$  باشد، نشان‌دهنده مستقل بودن باقی مانده‌ها است، که مقدار آن در اینجا برابر با  $1/792$  است؛ بنابراین، باقی مانده‌ها مستقل از یکدیگر هستند. با توجه به نتایج حاصل، تأثیر تمام شاخص‌ها در مدل معنادار است؛ اما همبستگی اجتماعی و ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر الگوی مسکن خواهند داشت که با نتایج عینی در منطقه مورد مطالعه تطابق خواهد داشت.

### جدول ۵. بررسی اثرگذاری تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

متغیرهای مستقل	ضریب متغیر	ضریب استاندارد (بتا)	آماره $t$	سطح معناداری	نتیجه
مقدار ثابت *	۱/۶۷۳	-	۵/۴۰۳	۰/۰۰۰	در مدل معنادار است.
گرایش به مهاجرت	۰/۲۴۸	۰/۲۴۰	۳/۸۴۱	۰/۰۰۰	در مدل معنادار است.
گرایش به مصرف‌گرایی	۰/۲۵۸	۰/۴۲۷	۷/۲۰۸	۰/۰۰۰	در مدل معنادار است.
همبستگی اجتماعی	-۰/۲۴۳	-۰/۱۵۰	-۲/۴۲۱	۰/۰۱۶	در مدل معنادار است.
تعاملات اجتماعی	۰/۱۸۱	۰/۱۵۶	۲/۴۳۳	۰/۰۱۶	در مدل معنادار است.
ناهنجاری‌های اجتماعی	-۰/۱۳۲	-۰/۱۴۰	-۲/۴۳۶	۰/۰۱۶	در مدل معنادار است.

\*متغیر وابسته: الگوی مسکن روستایی

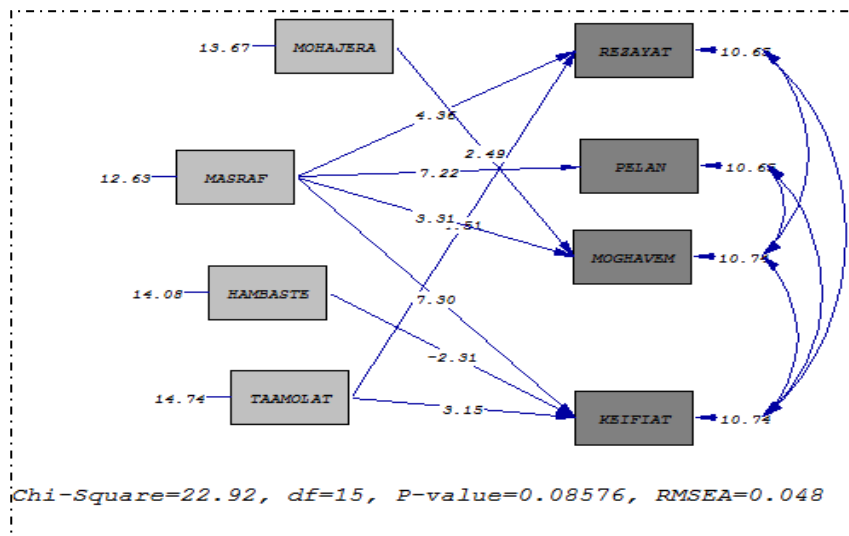
برابر با  $0/95$  و  $0/97$  است که نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل می‌باشد. براساس نتایج شکل (۳)، از بین شاخص‌های متغیر مستقل، تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان و ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی، پس از آنالیزهای مکرر تحلیل مسیر مشخص گردید که اثرات مستقیمی بر شاخص‌های متغیر وابسته الگوی مسکن روستایی ندارند؛ بنابراین، از مدل تحلیل مسیر خارج شدند. در بررسی اثرگذاری شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته، شاخص گرایش به فرهنگ مصرف‌گرایی بر شاخص‌های رضایت، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن به ترتیب  $0/27$ ،  $0/43$ ،  $0/22$  و  $0/45$  اثرگذاری داشته است. شاخص تعاملات اجتماعی فقط بر روی رضایت و کیفیت بنای مسکن با ضریب  $0/27$  و  $0/20$  تأثیر می‌گذارد و گرایش به مهاجرت بر مقاومت مسکن با ضریب  $0/15$  و همبستگی اجتماعی بر کیفیت مسکن با ضریب  $-0/14$  تأثیر خواهد داشت؛ براین اساس، مشخص می‌شود که در بین آثار تغییرات اجتماعی، بیشترین اثرگذاری مربوط به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در منطقه مورد مطالعه خواهد بود.

مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. براساس مقدار ضریب تعیین  $0/354$  مشخص می‌شود که رگرسیون خطی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حدود  $35/4\%$  از کل تغییرات را توجیه می‌کند. در جدول ANOVA، مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات، آماره فیشر و سطح معناداری رگرسیون گزارش شده است. مقدار P-Value یا همان سطح معناداری برابر با  $0/000$  می‌باشد که از  $0/05$  کوچک‌تر است؛ بنابراین، فرضیه صفرآزمون مبنی بر نبود معناداری مدل رگرسیون را با اطمینان  $99\%$  رد می‌کنیم؛ در نتیجه، مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنادار است. در جدول (۵)، برای هر یک از پارامترهای مدل رگرسیون، مقادیر

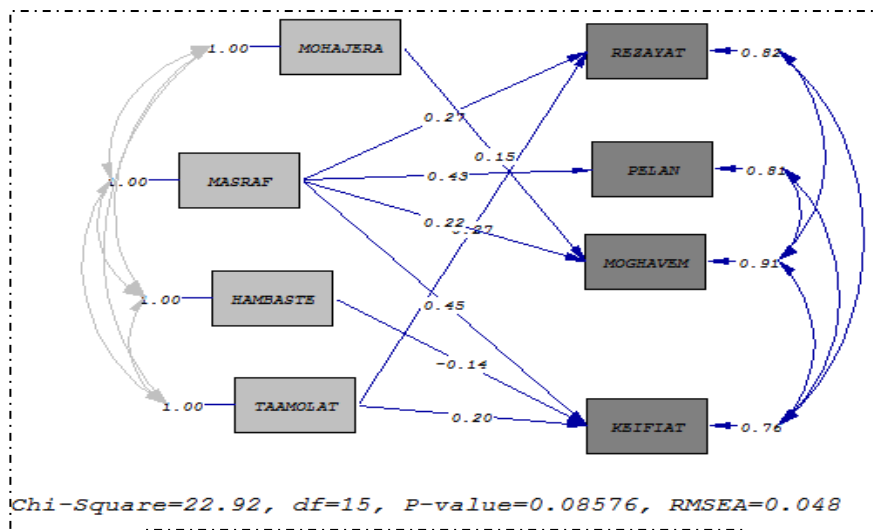
برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر کدام از شاخص‌های تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه ساکنان و بررسی نحوه روابط بین آن‌ها، از آنالیز تحلیل مسیر استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا برای خارج نمودن گویه‌های کم‌اهمیت‌تر، از مدل تحلیل عاملی استفاده شد و براین اساس، ۲ گویه از شاخص گرایش به مهاجرت، ۱ گویه از شاخص ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی و ۹ گویه از شاخص کیفیت مسکن روستایی از تحلیل خارج شدند. سپس، متغیرها (شاخص) برای تحلیل مسیر وارد مدل شدند که براساس آماره  $t$  و مقدار ضریب تأثیر استاندارد شده بتا برای هر مسیر مدل‌های زیر به دست آمد (شکل ۳).

براساس یافته‌های تحقیق، اعتبار و برازندگی مناسب مدل‌ها تأیید می‌شود؛ زیرا، مقدار تقسیم‌کی دو به درجه آزادی کمتر از ۳ است (معادل  $1/528$ )، مقدار RMSEA کمتر از  $0/07$  (معادل  $0/048$ ) و GFI و AGFI به ترتیب مقادیر  $0/98$  و  $0/94$  را دارا هستند و در نهایت، مقدار NFI و NNFI به ترتیب





الف. مقدار آماره تی برای هر مسیر



ب. مقدار ضریب استاندارد شده برای هر مسیر

شکل ۳. میزان اثرگذاری شاخص‌های تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در زندگی روستاییان، تغییرات اجتماعی توانسته‌اند تغییراتی را در الگوی مسکن به وجود آورند. در مقایسه با تحقیقات انجام شده در خارج از کشور به‌ویژه در کانادا، ترکیه و نیجریه (والکر، ۲۰۰۲؛ آلنیم و محمود؛ ۲۰۰۷؛ نورس و بلیک، ۲۰۰۳؛ حاجی حسن اوغلو و حاجی حسن اوغلو، ۲۰۰۶)، تحقیق حاضر نشان می‌دهد در زندگی روستاییان، تغییرات اجتماعی توانسته‌اند در الگوی مسکن روستایی در شاخص‌هایی از قبیل رضایتمندی، کیفیت بنا و مقاومت آن، دگرگونی به‌همراه داشته باشند؛ بنابراین، نتیجه تحقیق حاضر نتایج تحقیقات خارجی را تأیید می‌کند. در مقایسه با نتایج تحقیقات انجام شده در داخل

کشور، مطالعه حاضر مؤید این مطلب است که تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان سبب بروز تغییراتی در الگوی مسکن روستایی در حوزه‌هایی مانند نوع استفاده از وسایل و امکانات جدید در داخل مسکن و طراحی و پلان‌های معماری متفاوت از معماری سنتی در مسکن روستایی شده است. این یافته با مطالعات پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه تغییرات فرهنگی و تأثیر آن بر تغییر الگوی مسکن روستایی و قاسمی‌اردنهانی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱)، افراخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، مطیعی‌لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی‌فضلی و کویانی (۱۳۸۸) در زمینه نقش اعتبارات در مقاوم‌سازی مسکن روستایی همخوانی دارد؛

پیشنهاد می‌شود به جنبه‌های مربوط به تعاملات اجتماعی در مساکن جدید توجه بیشتری شود؛

➤ شکل‌گیری مساکن با الگوی جدید در روستاها باعث ایجاد تمایزات اجتماعی- اقتصادی شده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با تکیه بر هویت فرهنگ بومی و قومی در منطقه مورد مطالعه این مشکل برطرف گردد؛

➤ در الگوی مساکن جدید در روستاها، استقلال روستاییان برای ساخت مسکن از بین رفته است و از هر لحاظ وابسته به شهر گردیده است تا جایی که روستاییان حتی قادر نیستند بدون خرید از بازار شهر، مسکن یا ابزار مربوط به مسکن خود را تعمیر کنند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از مصالح بومی با رعایت پایداری سازه و مقاومت بنا استفاده شود؛

➤ مسکن جدید در روابط اقتصادی شهر و روستا تأثیر عمیق گذاشته و یک جریان پولی از روستا به سوی شهر سرازیر کرده است؛ به طوری که بخش مهمی از درآمد روستاییان به دلیل ساخت مسکن به سوی شهرها سرازیر می‌شود؛ بنابراین، در طراحی و پلان معماری جدید در فضاهای روستایی باید به این مهم توجه شود؛

➤ معماری مساکن جدید هیچ‌گونه همخوانی با شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه ندارد؛ اما استفاده گسترده از وسایل و تجهیزات سرمایشی و گرمایشی (به‌ویژه گاز طبیعی) در مساکن جدید نیاز به معماری منطبق با شرایط اقلیمی را برطرف نموده است.

**تشکر و قدردانی:** نتایج این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی به شماره ۲۱۹۵۵ ثبت شده در سامانه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

#### یادداشت‌ها

1. Wells
2. Mohammed Mai & Shamsuddin
3. Turgat
4. Walker
5. Al. Naim & Mahmud
6. Nurse & Blak
7. Hacıhasanoglu & Hacıhasanoglu
8. Banski & Wesolowska
9. Bourne
10. Cater & Trevor
11. Short
12. Westaway
13. Sendich

اما نتایج این تحقیق نشان‌دهنده اثرگذاری مستقیم شاخص‌هایی مانند رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، معکوس‌گرایی به مهاجرت و ترس از ناهنجاری‌های اجتماعی بر دگرگونی در الگوی مسکن روستایی است؛ در صورتی که برخلاف تحقیقات پیشین، شاخص‌هایی مانند همبستگی اجتماعی و تمایلات اجتماعی اثر معکوسی بر تغییر در الگوی مسکن روستایی دارند. بر پایه داده‌های حاصل از نظرسنجی از روستاییان و سنجش رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط مستقیم و نسبتاً قابل‌ملاحظه‌ای با ضریب  $0/427$  بین میزان تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه وجود دارد. در بین شاخص‌های تغییرات اجتماعی، بالاترین ضریب همبستگی با الگوی مسکن، مربوط به شاخص‌گرایی به مصرف‌گرایی با ضریب  $0/475$  وجود دارد. با بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه، مشخص گردید که متغیر مستقل،  $35/4\%$  از تغییرات الگوی مسکن را تبیین می‌نماید و شاخص‌گرایی به مصرف‌گرایی با اثرگذاری مثبت  $42/7\%$ ، بیشترین تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌کند؛ اما شاخص‌های همبستگی اجتماعی و ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع روستایی دارای اثرگذاری منفی بر الگوی مسکن روستایی هستند. در آنالیز تحلیل مسیر نیز شاخص‌گرایی به مصرف‌گرایی بر چهار شاخص الگوی مسکن روستایی اثر داشته است و بیشترین تأثیرگذاری آن بر کیفیت و پلان معماری مسکن روستایی با ضرایب  $0/45$  و  $0/42$  بوده است؛ بنابراین، تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه تأثیر نسبتاً قابل‌توجهی داشته‌اند و از این رو فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد.

مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت در زندگی روستاییان و اثرگذاری آن بر الگوی مسکن روستایی و دستیابی به توفیق بیشتر در حوزه مسکن، عبارت‌اند از:

➤ همیاری‌های روستایی در بین خانواده‌ها، اقوام و همسایگان با رواج الگوی مسکن روستایی جدید از بین رفته است؛ بنابراین،

## کتابنامه

۱. احمدیان، ر. و محمدی، ح. (۱۳۸۸). *بافت‌شناسی روستایی کشور (معیارهای عام شکل‌گیری عناصر کالبدی روستایی)*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۲. ازکیا، م. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۶). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
۳. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹۱). *آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان بینالود*. مشهد: استانداری خراسان رضوی.
۴. افراخته، ح. و هواسی، ن. (۱۳۹۰). *تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سیدابراهیم دهلران)*. *مجله جغرافیا*، ۹(۳۱)، ۷۶-۵۵.
۵. بسحاق، م. ر.، صیدایی، س. ا. و جمینی، د. (۱۳۹۱). *تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)*. *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۲(۵)، ۱۱-۱.
۶. بهزادنسب، ج. (۱۳۷۹). *مسکن روستایی در ایران*. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، (صص. ۱۸۰-۱۶۷)، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۷. پورطاهری، م.، رکن‌الدین‌افتخاری، ع. ر. و نیکبخت، م. (۱۳۹۰). *اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی*. *مجله فضای جغرافیایی*، ۱۱(۳۵)، ۱۳۴-۱۱۵.
۸. حجت، ع. (۱۳۸۵). *تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران*. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۶، ۸۴-۷۵.
۹. حسینی‌ابری، س. ح. (۱۳۸۰). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۰. خسروی، خ. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی ده در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. رحمانی‌فضلی، ع. ر. و کلاویانی، ی. (۱۳۸۸). *اثر بخشی اعتبارات خرد در بهسازی مسکن روستایی*. *فصلنامه جغرافیا*، ۷(۲۳)، ۴۵-۲۹.
۱۲. رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.
۱۳. زرگر، ا. (۱۳۸۸). *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. زندیه، م. و حصاری، پ. (۱۳۹۱). *تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی*. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۱(۱۳۸)، ۷۲-۶۳.
۱۵. سرتیپی‌پور، م. (۱۳۸۴). *شاخص‌های معماری مسکن روستایی*. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲، ۵۲-۴۳.
۱۶. سرتیپی‌پور، م. (۱۳۸۵). *مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه*. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۷، ۵۶-۴۷.
۱۷. سرتیپی‌پور، م. (۱۳۸۸الف). *آسیب‌شناسی معماری روستایی به‌سوی سکونتگاه مطلوب*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. سرتیپی‌پور، م. (۱۳۸۸ب). *بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران*. *مجله صفا*، ۱۹(۴۹)، ۸-۱.
۱۹. سرتیپی‌پور، م. (۱۳۸۹). *ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت‌گیری آتی*. *فصلنامه جغرافیا*، ۸(۲۷)، ۹۵-۱۳۵.
۲۰. سعیدی، ع. (۱۳۸۷). *دانشنامه مدیریت روستایی و شهری (جهانی‌شدن و روستا)*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کل کشور.
۲۱. سعیدی، ع. (۱۳۷۹). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. سعیدی، ع. و امینی، ف. (۱۳۸۹). *ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی (مورد: روستا خفر ناحیه نطنز - بادرود)*. *فصلنامه جغرافیا*، ۸(۲۷)، ۴۳-۲۹.
۲۳. شکوری، ع. و عسگری، ن. (۱۳۹۱). *ارزیابی عملکرد برنامه‌های مسکن روستایی و تأثیرات آن بر کیفیت ساخت‌وساز مناطق روستایی در برنامه چهارم توسعه (مطالعه موردی: استان هرمزگان)*. *مجله پژوهش‌های روستایی*، ۳(۲)، ۱۵۱-۱۱۹.

۲۴. صیدایی، س. ا.، قره‌نژاد، ح.، و فیروزی، ا. (۱۳۹۰). تحلیل بر آسیب‌پذیری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مسکن روستایی شهرستان بافت). *مجله سپهر*، ۲۰ (۷۷)، ۶۸-۷۳.
۲۵. طالب، م.، و عنبری، م. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. عنابستانی، ع. ا. (۱۳۹۰). بررسی آثار فعالیت‌های اقتصادی بر الگوهای مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی). *مجله پیام مهندس*، ۱۱ (۵۴)، ۱۰۱-۱۱۱.
۲۷. عنابستانی، ع. ا.، شایان، ح.، و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، ۱ (۳)، ۶۳-۸۰.
۲۸. قادری، ج. (۱۳۸۱). *مدل‌سازی مالکیت مسکن در نواحی شهری ایران*. (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۲۹. قاسمی‌اردهانی، ع.، و رستمعلی‌زاده، و. (۱۳۹۱). اثرات وام‌های مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۱ (۱۳۹)، ۶۷-۸۴.
۳۰. قنبری، ن.، رمضان‌زاده لسبویی، م.، و معصوم‌پور سماکوش، ج. (۱۳۹۰). نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه). *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۳ (۳)، ۱۰۵-۱۲۰.
۳۱. کریمی‌آذر، ا. ر.، و شمسی‌یوسفی، ا. ر. (۱۳۸۸). مسکن روستایی با رویکردی به بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی. *اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا*، (صص. ۱۶-۱)، زاهدان، ایران.
۳۲. مطیعی‌لنگرودی، س. ح.، و بخشی، ز. (۱۳۸۹). نقش اعتبارات مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیهق. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۲ (۷۲)، ۳۱-۴۶.
33. Al-Naim, M., & Mahmud, S. (2007). Transformation of traditional dwellings and income generation by low-income expatriates: The case of Hofuf, Saudi Arabia. *Cities*, 24(6), 422-433.
34. Bański, J., & Wesołowska, M. (2010). Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 94(2), 116-126.
35. Bourne, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.
36. Cater, J. & Trevor, J. (1989). *Social geography: An introduction to contemporary issues*. London: Edward Arnold.
37. Hacıhasanoglu, I., & Hacıhasanoglu, O. (2006). Cultural processes and physical change in Sisli Istanbul. *Habitat International*, 30(4), 902-915.
38. Mohammed Mai, M., & Shamsuddin, S. (2007). Urbanization and globalization of Gbagyi housing transformation. ALAM CIPTA, *International Journal on Sustainable Tropical Design Research & Practice*, 2(1), 49-58.
39. Nurse, A., & Blake, R. B. (Eds.). (2003). *the trajectories of rural life: New perspectives on rural Canada*. (Vol. 2). Canada: University of Regina Press.
40. Sendich, B. (2006). *Planning and urban design standard*. Newgersy: Routledge
41. Short, J. R. (2006). *Urban theory: A critical assessment*. Palgrave Macmillan, New York: Routledge.
42. Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*, 1(1), 17-25.
43. Walker, A. (2001). *The social context of built form: The case of informal housing production in Mexico City*. University College, London, Development Planning Unit.
44. Wells, C. (1971). *Man in his world*. London: John Baker Pub. Ltd. Available at: <http://bit.ly/11RWfYk>.
45. Westaway, M. S. (2006). A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto. *Habitat International*, 30(1), 175-189.

## Analysis of Social Change Impacts on the Pattern of Rural Housing (Case Study: Binalood County)

Anabestani, Aliakbar\*

Associate prof, Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 30 Aug 2013 Accepted: 3 Nov 2013

### Abstract:

**Purpose:** In recent years, rural housing has gone through huge changes. This paper will attempt to investigate the effect of social changes in the lives of villagers on rural housing patterns.

**Methodology:** This study is an applied research and it used descriptive - analytic method for analysis, the major part of data collection was based on field studies and sampling (Cochran). The population from which the participants were selected for this study included 232 households.

**Finding:** Findings according to the results of Pearson correlation tests indicated that there existed a significant and fairly strong relation (0.427) between social change index and rural housing pattern. The social changes indicator would determine 35.4% of the variability in rural housing pattern. Prevalence of consumerism tendency solely would justify 42.7% changes in rural housing pattern. In Route analysis, this index had the greatest impact on the factors of housing quality and architectural plans with the coefficients of 0.45 and 0.42. In spatial distribution, there is a direct correlation between social changes and rural housing pattern in six villages.

**Research limitation:** One of the main challenges in this study is to access the information of rural housing pattern.

**Practical implications:** Regarding the findings, strategies such as paying attention to interaction and social solidarity of rural inhabitants in construction, relying on local and ethnic culture in the region, reducing dependence of cities in rural housing, and so on, have been proposed.

**Original/value:** The importance of this research is to recognize the impacts of changes on rural housing pattern due to technology invasion and the influence of urban culture, so that actions could be done to control this process and retain the traditional architectural pattern which suits the needs of contemporary life.

**Key words:** Consumerism, The migration tendency, Social solidarity, Housing satisfaction, Architecture plan, Housing resistance.

### How to cite this article:

Anabestani, A.A. (2014). Analysis of social change effects in rural life on pattern of rural housing (Case study: Binalood County). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(5), 57-68.

URL <http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/25247>

ISSN: 2322-2514 eISSN: 2383-2495